

نرم افزار نگارستان ادب

درس سوم « مثل آینه »

کاری از: مروّت محمدی، دبیر دبیرستان علامه حلی اراک

همراه: ۰۹۱۸۳۴۹۶۱۶۹

کانال ادبیات نهم: @mohammadi_A۹

شکفتن

فصل دوم

خواهی بخوان و خواه بخوان، ما نوشته‌ایم

در زندگی، مطالعه دل قیمت است

عبدالقادر بیدل

شاعر قرن (۱۱-۱۲) که در هند به دنیا آمد.

در زندگی، شناخت خود و احساس و اندیشه، فرصت ارزشمندی است. ما این نکته را بیان نمودیم.

می خواهی به آن عمل کن یا عمل نکن.

توضیح ادبی: بیت، ۴ جمله / مطالعه، خواندن و نوشتن، مراعات نظیر/خواه: حرف ربط مزدوج / غنیمت: مسند / مطالعه دل: نهاد.

مثل آینه



لحن: تعلیمی **نثر: ساده و روان**

متن های تعلیمی، با هدف آموزش و اندرز، نوشته شده اند، از این رو، خواننده باید آهنگ و لحن متناسب با فضای تعلیمی را رعایت کند. در لحن تعلیمی، خواننده با حفظ روحیه نیک اندیشی و خیرخواهی، نرمی و ملایمت در گفتار را به کار می گیرد. حفظ آرامش و نرم گفتاری، بر تأثیر کلام اندرزی می افزاید، البته گاهی اندرز و تعلیم با زنهار و پرهیز، همراه است و نباید آن را با لحن دستوری و فرمان، یکی دانست.

نوجوانی، تولد دوباره انسان است. در این مرحله پرتب و تاب، نوجوان، افزون بر رابطه با خود، نیازمند رابطه ای دیگر نیز هست؛ نیازمند دو چشم دیگر که نوجوان را ببیند و به او بگوید: کیست و چگونه است؛ از همین جاست که دوستی و پیوند با دیگران آغاز می شود. این ارتباط، وابسته به نیاز درونی است که به نوجوان کمک می کند تا به خودشناسی برسد.

تب و تاب: شور و هیجان

دیگران، زبان نقد او و پنجره‌هایی هستند که در برابر دیدگان پرشکر وی، گشوده شده‌اند. دوستان واقعی، راه نیک بختی را به ما نشان می‌دهند و همراهان خوبی برای شکوفایی بهتر هستند. آنها مثل آینه، همان قدر که خوبی‌ها را پیش چشم می‌آورند، عیب‌ها را هم به ما می‌نمایانند و مهم‌تر آنکه این همه را بی‌صدا و بی‌هياهو، باز می‌گویند. رسم دوستی، شکستن آینه نیست؛ درست آن است که فرصت بازاندیشی و خودشکوفایی را پدید آوریم و گامی به سوی فراتر رفتن بردایم.

نقد: بررسی ضعف و قوت چیزی / بی‌هياهو: بی‌سروصدا

آینه، چون نقش تو بنمود راست

خود شکن آینه گلستن خطاست

(نظامی کججرامی)



قرباب معنایی دارد با بیت:

آینه روزی که بگیری به دست

خودپرست

خود شکن آن روز مشو

توضیحات ادبی درس سوم

آنها مثل آینه.....: تشبیه دوست خوب به آینه/ دوستان خوب مانند آینه، عیب و کاستی انسان را در سکوت و خفا و بدون سر و صدا بیان می کنند.

عیب ها را هم به ما می نمایانند: عیب و اشکال ما را هم نشان می دهند. (بازگو می کنند)

رسم دوستی، شکستن آینه نیست. اگر فردی عیب و ایراد کار ما را بیان کرد، انتقاد پذیر باشیم و با او برخورد نکنیم و سعی کنیم خود را اصلاح کنیم.

آینه چون نقش تو بنمود راست خودشکن، آینه شکستن خطاست
اگر دوست خوب مانند آینه، عیب و ایراد تو را به درستی آشکار کرد، غرور را کنار بگذارد. آینه را نشکن بلکه خودت را اصلاح کن.

خودشکن: کنایه از خود را اصلاح کردن. غرور را کنار زدن.

آینه شکستن: انتقاد پذیر نبودن، واقعیت را نپذیرفتن.

نقش: مفعول / تو: مضاف الیه / خود: مفعول / آینه شکستن: نهاد / خطا: مسند.

کار و شایستگی

که خودپندی و پندار نیست
متاع جوانی به بازار نیست
که باری است فرصت، دیگر باری نیست
چو در هست، حاجت به دیوار نیست
یاموز، آموختن عار نیست
تو را تا در آینه، زنگار نیست
ز آغاز، هر خوشه خروار نیست
دریغا که شاگرد حیار نیست

۱ جوانی، که کار و شایستگی است
چو بفروختی، از که خواهی خرید؟
نقیمت شتر، جز حقیقت مجوی
میچ از ره راست، بر راه کج
۵ ز آزادگان، بردباری و سعی
به چشم بصیرت به خود درنگ
همی دانه و خوشه، خروار شد
همه کار ایام، درس است و پند

پروین اعتصامی

گه: هنگام
پندار: خیال
که: چه کسی
متاع: کالای با ارزش
باری: یکبار
در: راه درست
دیوار: راه کج
آزادگان: جوانمردان
عار: ننگ
بصیرت: بینش
زنگار: آلودگی
آینه: دل
خروار: مقدار زیاد
دریغا: افسوس
شاگرد: انسان

تاریخ ادبیات

رخشنده اعتصامی معروف به پروین اعتصامی (زاده ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ در تبریز - درگذشته ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در تهران) شاعر ایرانی بود که از وی به عنوان «مشهورترین شاعر زن ایران» یاد شده است. اعتصامی از کودکی فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از همان کودکی تحت نظر پدرش و استادانی چون دهخدا و ملک الشعرای بهار سرودن شعر را آغاز کرد. پدر وی یوسف اعتصامی، از شاعران و مترجمان معاصر ایرانی بود که در شکل‌گیری زندگی هنری پروین و کشف استعداد و گرایش وی به سرودن شعر نقش مهمی داشت. او در بیست و هشت سالگی ازدواج کرد؛ اما به دلیل اختلاف فکری با همسرش، از او جدا شد. پروین بعد از جدایی از همسرش مدتی در کتابخانه دانشسرای عالی، به شغل کتابداری مشغول بود. پروین قبل از دومین نوبت چاپ دیوان اشعارش، بر اثر بیماری حصه در سن سی و پنج سالگی در تهران درگذشت و در حرم فاطمه معصومه، در آرامگاه خانوادگی‌اش، به خاک سپرده شد. زادروز پروین اعتصامی، (بیست و پنجم اسفندماه)، به عنوان «روز بزرگداشت پروین اعتصامی» نام‌گذاری شده است.

تنها اثر چاپ و منتشر شده از پروین، دیوان اشعار اوست؛ که دارای ۶۰۶ شعر شامل اشعاری در قالب‌های مثنوی، قطعه و قصیده می‌شود. پروین بیشتر به دلیل به کار بردن سبک شعر مناظره در شعرهایش، معروف است.

شعر پروین از دیدگاه طرز بیان مفاهیم و معانی، بیشتر به صورت «مناظره» و «سؤال و جواب» است. در دیوان او بیش از هفتاد نمونه مناظره آمده که وی را از این لحاظ در میان شاعران فارسی مشهور کرده است. این مناظره‌ها نه تنها میان انسان‌ها و جانوران و گیاهان، بلکه میان انواع اشیا از قبیل «سوزن و نخ» نیز اتفاق می‌افتد. پروین در بیان مقاصد خود از هنرهای «شخصیت‌بخشی» و «تخیل» و «تمثیل»، استفاده بسیار کرده است.

در آرامگاه بانوی پروین اعتصامی

بانو شعر از بانوی پروین اعتصامی اذیت شده و آن سبب اعتصامی که از بزرگترین

شعرا و ایرانیان بشمار است در خوشبختی تبریز بود که بابت شنبه فروردین ۱۳۲۰

بیت و سبب آن که در آن سراسر ایامی بود آن شاه قلیه فخر انجمنی سنگ از گوش سوز

اینکه خاک سببش بالین است آخر حرج ادب پروین است

گر که خسته لمحنی از ایام ندید هر چه خوابی از بخشش شیرین است

صاحب آئینه گفت تا امروز سائل فاتحه و یا سمن است

دوستان که ز روی یاد کنند دل بی دوستی نمیکن است

خاک دیده بسی جانفزا است سنگ بینه بسی نیکن است

ببیند این بستر عبرت گیرد هر که را چشم حقیقت بین است

هر که باشی ز نه سر جا بری آخرین منزل هستی این است

آمی بس هر چه تو انگر باشد چون این نقطه رسد میگذر است

اندر آنجا که هستن امله کند چاره تسلیم ادب میکن است

زادن و شستن و نپاک کردن دهر را هم زده دیرین است

همه را سومی عدم خواهد برد ما که بر تو تن گیتی زمین است

بس بر فتنه چو پایش از ما این جهان رنگد ز پیشین است

ختم آنکس که در این محنت کلام خاطر بر راستی سنگ است

اینکه خاک سببش بالین است آخر حرج ادب پروین است

گر چه جز معنی از ایام نه در بر چه خواهد سخن بترین است

صاحب آئینه گفت تا امروز سائل فاتحه و یا سمن است

دوستان که ز روی یاد کنند دل بی دوستی نمیکن است

خاک دیده بسی جانفزا است سنگ بینه بسی نیکن است

ببیند این بستر عبرت گیرد هر که را چشم حقیقت بین است

هر که باشی ز نه سر جا بری آخرین منزل هستی این است

آمی بس هر چه تو انگر باشد چون این نقطه رسد میگذر است

اندر آنجا که هستن امله کند چاره تسلیم ادب میکن است

زادن و شستن و نپاک کردن دهر را هم زده دیرین است

همه را سومی عدم خواهد برد ما که بر تو تن گیتی زمین است

بس بر فتنه چو پایش از ما این جهان رنگد ز پیشین است

ختم آنکس که در این محنت کلام خاطر بر راستی سنگ است

این قطعه را با رنگ هزار خودم کرده ام

این قطعه را با رنگ هزار خودم کرده ام

این قطعه را با رنگ هزار خودم کرده ام



توضیحات ادبی

بیت ۱ - دوره جوانی هنگام کار و نشان دادن شایستگی است. زمان تکبر و خیال پردازی نیست.

بیت ۲ - اگر جوانی خود را از دست بدهی، نمی توانی آن را به دست آوری؛ زیرا کالای ارزشمند جوانی در هیچ بازاری یافت نمی شود.

چو بفروختی از که خواهی خرید؟ پرسش انکاری / جوانی را نمی توانی بخری، چون در بازار وجود ندارد. متاع جوانی: اضافه تشبیهی / نیست: فعل غیراسنادی (در معنی وجود نداشتن)

بیت ۳ - از فرصت کوتاه جوانی استفاده کن و به دنبال حقیقت باش؛ زیرا فرصت جوانی، یک بار بیشتر تکرار نمی شود.

غنیمت شمردن: قدر دانستن / باری: مسند

بیت ۴ - از راه راست، منحرف مشو و به سمت کارهای ناشایست مرو. همان طوری که با وجود در، کسی از دیوار وارد خانه نمی شود.

تا راه درست وجود دارد، نیازی به بیراهه رفتن نیست. در و دیوار: مراعات نظیر / راست و کج: تضاد. در: نهاد

بیت ۵ - صبر و تحمل و تلاش را از بزرگان بیاموز. زیرا آموختن، عیب و ننگ نیست. آموختن: نهاد / عار: مسند / پیام: یادگیری از دیگران باعث ننگ نیست.

بیت ۶- تا آینه دلت تیره و آلوده نشده است، با آگاهی و بصیرت به خودت و کارهایت توجه کن.

آینه: استعاره از دل / تو را تا در آینه: « را » فک اضافه یا « را » ی گسست اضافه نام دارد که بین مضاف و مضاف الیه می آید. (تا در آینه تو). حافظ می گوید:

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم **فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم**
سقف فلک، مضاف و مضاف الیه است و حرف « را » فک اضافه است؛ یعنی سقفِ فلک را بشکافیم.

بیت ۷- با جمع شدن دانه و خوشه، خروار به وجود می آید. همانطور که هیچ دانه و خوشه ای از ابتدا خروار نبوده است. (قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود). **خوشه و خروار: تکرار / دانه، خوشه، خروار:** مراعات نظیر.

پیام: انسان کم کم و با کسب تجربه به موفقیت و پختگی می رسد.

بیت ۸- تمام روزگار، پند و اندرز است ولی افسوس که انسان آگاه و هوشیاری وجود ندارد که از این پند، درس بگیرد.

تلمیح دارد به سخن امام علی (ع): **ما اکثر العبر و اقل الاعتبار:** چقدر عبرت ها زیادند و عبرت گیرنده ها کم / بیت، ۴ جمله / حذف فعل در مصراع اول / با بیت زیر قرابت معنایی دارد:

جهان سر به سر عبرت و حکمت است **چرا بهره ما فقط غفلت است؟**

واژه شناسی

واژه	ریشه	هم خانواده
نقد	نَقَدَ	انتقاد
غنیمت	غَنِمَ	مغتنم
حاجت	حَوَّجَ (حَاجَ)	احتیاج
بصیرت	بَصَرَ	بصیر
سعی	سَعَى	مسابی

به بیت زیر، توجه کنید:

«چو بفروختی، از که خواهی خرید؟ متاع جوانی به بازار نیست»

گاهی برای تأکید بر سخن و گاهی برای رد یا نفی آن، پرسشی را مطرح می‌کنیم. همان‌گونه که می‌بینید در مصراع اول بیت بالا، پرسشی مطرح شده است که مقصود گوینده آن نیست که جوانی را از چه کسی خواهی خرید؛ شاعر خود از این موضوع آگاه است. قصد او تأکید بر انکار این موضوع است که دوره جوانی، قابل خرید و فروش نیست و چنانچه از این دوره به خوبی بهره‌گیری، به هیچ روی، نمی‌توانی آن را جبران کنی؛ یا اگر شخصی به دیگری بگوید: «من کی این حرف را زدم»، منظور او این است که من این حرف را نزده‌ام. به این گونه پرسش‌ها «پرسش انکاری» می‌گویند.

پرسش انکاری

یکی از شیوه های علم معانی، استفاده از جملات پرسشی (استفهام) است. در پرسش انکاری، هدف دریافت پاسخ نیست، بلکه تأکید بر ردّ و انکار موضوع است.

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها (حافظ)

یعنی سبکباران ساحل ها به هیچ عنوان حال ما را درک نمی کنند.

در پرسش انکاری، سؤال به صورت مثبت است و پاسخ منفی.

تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون کجا به کوی حقیقت گذر توانی کرد (سعدی)
یعنی به کوی حقیقت نمی توانی گذر کنی.

پرسش تأکیدی (تقریری)

پرسشی است که مخاطب به درستی و صحت قول گوینده اقرار می کند. در استفهام تأکیدی، پرسش به صورت منفی و پاسخ به شکل مثبت است. آیا پایان همه مرگ نیست؟ بله. پایان همه مرگ است.

در جنگ ایران و توران، رستم، پیاده به جنگ اشکبوس می رود و در پاسخ اشکبوس که می گوید: پیاده جانت را از دست خواهی داد. می گوید: پیاده ندیدی که جنگ آورد سر سرکشان، زیر سنگ آورد
یعنی حتما دیده ای.

چون نپرسی کاین تماثل از کجا آمد پدید چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار
یعنی باید بررسی.

انواع لحن در زبان فارسی

نحوه خواندن جملات را با توجه به شرایط موجود و فضای حاکم بر جمله و کل متن، لحن می گویند. به تعدادی از لحن و آهنگ های زبان فارسی، اشاره می شود:

۱- لحن ستایشی:

ستایش، مخصوص خداوند است و شاعر یا نویسنده، خداوند را به خاطر آفرینش بی همتا و الطاف بی نظیرش می ستاید.

آفرین جان آفرین پاک را
آن که جان بخشید و ایمان خاک را

(عطار نیشابوری)

۲- لحن مدحی:

مدح، نوشته ای است که شاعر از طریق آن، با کوچک تر داشتن خود در مقابل ممدوح، به بیان مطالبی می پردازد. مدح می تواند پیرامون بزرگان دینی و مذهبی، سلاطین و حاکمان و بزرگان کشور و جامعه باشد.

علی آن شیر خدا شاه عرب
الفتی داشته با این دل شب (شهریار)

۳- لحن حماسی :

لحن های حماسی، لحنی کوبنده و استوار است و خواننده ی شعر حماسی به ویژه شاهنامه فردوسی، با توجه به ویژگی های این گونه اشعار باید لحن خود را متناسب با محتوای این اشعار کند. محتوای این اشعار بیشتر جنگ ها و نبرد های پهلوانان با یکدیگر، با دشمنان و کار های شگفت انگیز و خارق العاده است.

یکی نامه باید چو برنده تیغ
پیامی به کردار غرنده میغ (فردوسی)

۴- لحن های داستانی - روایی :

تعریف کردن صمیمانه داستانی کوتاه با آهنگی نرم و ملایم است. به گونه ای که شنونده یا از آن پند بگیرد و یا تحت تأثیر قرار بگیرد. آغاز چنین لحنی از گذشته با قصه خوانی ها، همراه بود. قصه هایی که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال یافت و در بردارنده مفاهیمی چون: راد مردی، گذشت، بخشندگی و... بود. بعد از قصه، داستان ها و حکایات شکل گرفتند و با مفاهیمی چون آموزه های زندگی، پند ها و اندرزها همراه بودند.

شبی یاد دارم که چشمم نخفت
شنیدم که پروانه با شمع گفت (سعدی)

۵- لحن تعلیمی (اندرزی) :

این لحن تلاش می کند با گویشی آرام و آهسته ، در دل شنونده ، نفوذ کرده و نکات مهم خوب زیستن را به مخاطب خود ، القا کند . این گونه نوشته ، بیشتر برای پند و اندرز به کار می رود . نویسنده این گونه متون ، خود را به جای انسانی آگاه می گذارد و با مخاطب خود سخن می گوید . به همین دلیل لحن متن های تعلیمی ، لحنی پدرانانه است .

ز خاک آفریدت خداوند پاک
پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
حریص و جهان سوز و سرکش مباش
ز خاک آفریدنت ، آتش مباش (سعدی)

۶- لحن تغزلی:

شعر تغزلی ، شعری است که با احساسات و عواطف انسانی سر و کار دارد . شاعران ، احساسات لطیف خود را در قالب اشعار منتشر می کنند و این احساسات می توانند حالات مختلفی را به خود بگیرند . سروده ها ممکن است از روی شادی سروده شده باشند یا از روی غم و قصه . به خاطر وصال و رسیدن به یار بیان شده باشند و یا ناشی از فراق و دوری از یار .
عجب است اگر توانم ز محبتت گریزم
به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد (سعدی)

۷- لحن مناجات:

مناجات به معنی راز و نیاز کردن و نیایش با خداوند است . انسان در این لحظه خودش را بسیار کوچک فرض می کند و آنچه را که در حضور دیگران نمی تواند بیان کند با آه و زاری یا شکر و سپاس بیان می کند در این گونه از اشعار ، شاعر خواسته های معنوی از خدای خود طلب می کند و از او می خواهد که عاقبت به خیرش کند . لحن مناجات آکنده از عاطفه و احساس و بیانگر حالت فروتنی و خاکساری و تواضع بنده است.

خداوندگار را نظر کن به جود
که جرم آمد از بندگان در وجود
کریمما به رزق تو پرورده ایم
به انعام و لطف تو خو کرده ایم (سعدی)

۸- لحن توصیفی :

توصیف؛ یعنی وصف کردن و بیان جزئیات و ویژگی ها یا آوردن صفات و قید های حالت پیاپی برای چیزهایی که قرار است برای شنونده بازگو کنیم ، در توصیف، نویسنده چیزی را که می بیند با شور و حال فراوان و با استفاده از آرایه هایی چون تشبیه و تشخیص به زبان می آورد .

که مازندران شهر ما یاد باد
همیشه بر و بومش آباد باد
که در بوستانش همیشه گل است
به باغ اندرون لاله و بلبل است (فردوسی)

لحن: روایی- تعلیمی
نوع نثر: ساده و روان

روزی خسروی به تماشای صحرا بیرون رفت. باغبانی پیر و سالخورده را دید که سرگرم کاشتن نهال درخت بود. خسرو گفت: «ای پیرمرد، در موسم کهنسالی و فرتوتی، کار ایام جوانی پیشه کرده‌ای. وقت آن است که دست از این میل و آرزو برداری و درخت اعمال نیک در بهشت بنشانی، چه جای این حرص و هوس باطل است؟ درختی که تو امروز نشانی، میوه آن کجا توانی خورد؟»
باغبان پیر و پاک‌دل گفت: «دیگران نشانند، ما خوردیم، اکنون ما بنشانیم تا دیگران خورند.»

مرزبان نامه، سعدالدین و راوی، (بازنویسی)



خسرو: پادشاه / **نیک اندیش:** خیرخواه / **فرتوت:** پیر و سالخورده / **پیشه کردن:** در پیش گرفتن / **آرزو:** خواسته، علاقه / **حرص:** طمع و زیاده خواهی / **نشاندن:** کاشتن .

توضیحات ادبی حکایت باغبان خیراندیش

پیام حکایت: نوع دوستی، خیرخواهی.

وقت آن است که دست از این میل و آرزو برداری و درخت اعمال نیک در بهشت بنشانی. زمان آن است که از این خواسته های مادی دست بکشی و با انجام کارهای شایسته، اعمال نیک در بهشت ذخیره کنی. **درخت اعمال نیک:** اضافه تشبیهی

چه جای این حرص و هوس باطل است؟ اکنون زمان طمع و آرزوهای نشدنی (استفاده از محصول درخت) نیست. (تا آن زمان زنده نمی مانی). **پرسش انکاری**

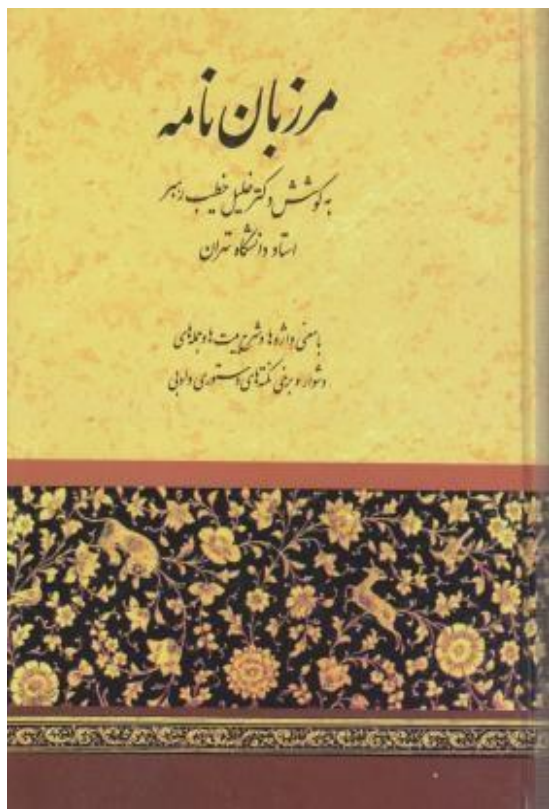
درختی که تو امروز نشانی، میوه آن کجا توانی خورد؟ درختی که تو اکنون آن را می کاری، کی می توانی از محصول آن استفاده کنی؟ **پرسش انکاری.** یعنی نمی توانی از محصول آن استفاده کنی.

لقب پادشاهان قدیم: ایران : خسرو / روم : قیصر / چین و هندوستان : خاقان / مصر: فرعون.

تاریخ ادبیات

مرزبان نامه کتابی است در اصل به زبان مازندرانی، نوشته اسپهبد مرزبان بن رستم بن شهریار بن شروین بن رستم بن سرخاب بن قارن. بعدها سعدالدین وراوینی (قرن ۶) آن را از زبان طبری به فارسی دری نقل کرد. مرزبان نامه از جمله شاهکارهای بلامنازع ادب فارسی، در نثر مصنوع مزین است. بسیاری از موارد مرزبان نامه از حد نثر مصنوع متداول، گذشته و صورت شعری دل انگیز یافته است. مرزبان نامه وراوینی در نه باب است. این کتاب از زبان حیوانات و به تقلید از کلیده و دمنه نصرالله منشی نوشته شده است. در واقع نویسنده کتاب از طریق داستان های غیرمستقیم و از زبان حیوانات پند و اندرزهای خود را به پادشاه زمان خود می گوید. مرزبان نامه از نوع ادب تمثیلی (فابل) محسوب می شود و نثر آن فنی است.

امروز فقط ترجمه های فارسی، ترکی و انگلیسی آن موجود است.



پرسش های چهار گزینه ای درس سوم

۱- کدام مفهوم از بیت زیر، برداشت نمی شود؟

- الف) کار و تلاش (ب) پرهیز از خیال پردازی جوانی گه کار و شایستگی است گه خودپسندی و پندار نیست.
- ج) هوشیاربودن (د) پرهیز از غرور

۲- منظور از « آینه » در بیت « آینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطاست » چیست؟

- الف) همه دوستان (ب) دل انسان پاک (ج) آینه سالم و بی عیب (د) دوست حقیقی

۳- کدام گزینه با عبارت « دیگران نشانند، ما خوردیم؛ اکنون ما بنشانیم تا دیگران خورند » ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

- الف) ز باغی که پیشینگان کاشتند بس آیندگان میوه برداشتند
- ب) دانه آن صحرانشینان کاشتند حاصلش افرنگیان برداشتند
- ج) از گرم اینجا چو بنشانی درخت میوه اش آن جا خوری ای نیکبخت
- د) درختی که بیخش بود برقرار بپرور، که روزی دهد میوه بار

۴- در کدام گزینه، پرسش انکاری به کار رفته است؟

- الف) گه خودپسندی و پندار نیست (ب) چو بفروختی از که خواهی خرید
- ج) دریغا که شاگرد، هشیار نیست (د) که باری است فرصت دگربار نیست

۵- کدام فعل در بیت « غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی که باری است فرصت، دگربار نیست » وجود ندارد؟

- الف) فعل امر (ب) فعل نهی (ج) مضارع اخباری (د) ماضی ساده

۶- همهٔ گزینه ها به مفهوم انتقاد پذیری تأکید دارند به جز گزینهٔ ...

- (الف) پسند آمد از عیب جوی خودم
(ب) گر دوست از غرور هنر بیندت نه عیب
(ج) می توان دید به چشم عیب جویان عیب خویش
(د) مرا جفا و وفای تو پیش یکسان است
- که معلوم من کرد خوی بدم
دشمن به عیب کردن، افزون کند هنر
تا میسر می شود زنهار، بی دشمن مباش
که هر چه دوست پسندد، به جای دوست نکوست

۷- در مصراع اول بیت « همه کار ایام درس است وپند دریغا که شاگرد، هشیار نیست» چند فعل حذف شده است؟

- (الف) صفر (ب) دو (ج) یک (د) سه

۸- کدام یک از گروه های اسمی زیر، با الگوی « هسته + مضاف الیه + صفت » مرتبط است.
(الف) سرگرم کاشتن نهال (ب) درخت اعمال نیک (ج) وبارۀ تولد د انسان (د) دوستان واقعی فهیم

۹- کدام گزینه با بیت « غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی که باری است فرصت، دگر بار نیست» قرابت معنایی دارد؟

- (الف) خیری کن ای فلان و غنیمت شمار عمر
(ب) همی دانه و خوشه خروار شد
(ج) به چشم بصیرت به خود درنگر
(د) چو بفروختی از که خواهی خرید
- زان پیشتر که بانگ برآید فلان مُرد
ز آغاز هر خوشه خروار نیست
تو را تا در آینه زنگار نیست
متاع جوانی به بازار نیست

۱۰- مهم ترین پیام بیت « آینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن، آینه شکستن خطاست» چیست؟
(الف) صداقت (ب) راستی و درستی (ج) انتقاد پذیری (د) انتقاد کردن

پاسخ تشریحی سوالات درس سوم

- ۱- (ج) بیت ارتباطی با هوشیار بودن ندارد.
- ۲- (د) دوست حقیقی است که عیب را بی هیاهو بیان می کند.
- ۳- (الف) سایر گزینه ها ارتباطی با پیام متن ندارند.
- ۴- (ب) جوانی را از هیچ کس نمی توانی بخری.
- ۵- (د) شمر (امر) / مجوی (نهی) / نمی باشد (مضارع اخباری). فرصت بیش از یکبار نمی باشد.
- ۶- (د) بیت به پذیرفتن نظر دوست تأکید دارد، نه انتقاد پذیری
- ۷- (ج) « است » در مصراع اول حذف شده است.
- ۸- (ب) درخت: هسته / اعمال : مضاف الیه / نیک: صفت .
- ۹- (الف) فرصت عمر فقط یکبار است.
- ۱۰- (ج) بیت به انتقاد پذیری تأکید دارد.